

Entrapment in Cyber Crimes; From Legitimation to Performance Evaluation

Ehsan Salimi Qale^{1*}, Nahid Safari²

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities; Maragheh University, Maragheh, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities; Maragheh University, Maragheh, Iran.

Abstract

Due to the special characteristics of the cyber space, it is difficult to detect the crime and identify the criminal. In such a way that the classic tools of criminal investigation and the study of reason are generally lacking the necessary effectiveness in dealing with these crimes. This situation has caused the police to use Entrapment to search for cybercriminals. The present research, in a descriptive-analytical way and using library resources, is responsible for evaluating the legitimacy of cattle ranching in Iran's legal system and the effectiveness of this method in relation to cybercrimes with all the characteristics and met variables of the cyber space. The findings of this research show that first; In Iran's legal system, entrapment as a method of crime detection lacks a legal document. Secondly; in most cases, the criminal responsibility of the defendants identified in this way is doubtful. Thirdly, this institution is not very effective regarding professional criminals of the cyber space and generally leads to the identification of ordinary citizens of the cyber space who commit crimes on a case-by-case basis. Another important issue is the incompatibility of animal husbandry with the teachings of Islamic jurisprudence such as "institution of repentance", "blame-making", "prohibition of cooperation in crime" and "prohibition of spying". The conclusion and theory of this article is that regardless of the exceptional cases that entrapment may become necessary in order to implement Ohm's rule, due to the multitude of problems faced by this institution, its benefits should be abandoned.

Keywords: FATA Police, Crime Detection, Evidence Study, Proof of Litigation, Cooperation in Crime



Article Type:

Original Research

Pages: 37-68

Received: 2023 October 24

Revised: 2024 January 29

Accepted: 2023 February 05



© This is an open access article under the CC BY licens.

* Corresponding Author: chsansalimi1367@yahoo.com

مشروعیت سنجی و ارزیابی کارکرد دام گستری در جرایم سایبری (با رویکرد تطبیقی)

احسان سلیمی قلعه^{۱*}، ناهید صفری^۲

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران.

چکیده

فضای سایبر به واسطه ویژگی‌های خاص خود، کشف بزه و شناسایی بزهکار را دشوار ساخته است. به گونه‌ای که ابزارهای کلاسیک جرم‌یابی و تحصیل دلیل در رویارویی با این جرایم عموماً فاقد اثربخشی لازم هستند. این وضعیت سبب شده است که بعضاً پلیس با کار بست دام گستری به پی‌جویی بزه‌های سایبری بپردازد. تحقیق حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌برداری از منابع کتابخانه‌ای، متکفل ارزیابی مشروعیت دام گستری در نظام حقوقی ایران و کارآمدی این شیوه در خصوص جرایم سایبری با همه ویژگی‌ها و فرامتغیرهای خاص فضای سایبر است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اولاً؛ در نظام حقوقی ایران دام گستری به عنوان یک شیوه کشف جرم، فاقد مستند قانونی است. ثانیاً؛ در اکثر موارد، مسئولیت کیفری متهمان شناسایی شده با این شیوه، محل شبهه است. ثالثاً این نهاد در خصوص مجرمان حرفه‌ای فضای سایبر چندان مؤثر نیست و عموماً به شناسایی شهروندان عادی فضای سایبر که به صورت تفرنی به جرم ورود می‌کنند، منجر می‌شود. موضوع مهم دیگر، ناسازگاری دام گستری با آموزه‌های فقه اسلامی نظیر «نهاد توبه»، «بزه پوشی»، «منع تعاون بر اثم» و «منع تجسس» است. نتیجه و نظریه این مقاله آن است که قطع نظر از موارد استثنائی که دام گستری در راستای اجرای قاعده اهم ممکن است ضرورت یابد، به جهت کثرت اشکالات وارد بر این نهاد باید از تجویز و اجرای گسترده آن صرف نظر کرد.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۳۷-۶۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶



واژگان کلیدی: پلیس فتا، کشف جرم، تحصیل دلیل، ادله اثبات دعوا، تعاون بر اثم



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

با مجازی شدن صحنه جرم^۱ و جهانی شدن عرصه بزهکاری^۲، شیوه‌های کلاسیک شناسایی و تعقیب بزهکاران، کارایی خود را از دست داده است. پستوهای تاریک و پنهان سایبر، آنگاه که جولانگاه بزهکاران پرشمار سایبری بدون هیچ محدودیت جغرافیایی می‌شود، تعقیب و دستگیری بزهکاران را به غایت دشوار می‌سازد. تا آن جاکه ادعا شده است که «در میان جرایم مختلف شاید هیچ جرمی را به مانند جرایم سایبری نتوان سراغ داشت که بزهکاران آن بدین شکل، معادلات شناسایی را برای مأمورین تحقیق پیچیده ساخته باشند» (کوره‌پزو همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲). این وضعیت موجب شده است که متصدیان دستگاه عدالت کیفری با تغییر پارادایم تعقیب و پی‌جویی بزهکاران سایبری، به سمت اقدامات پیشگیرانه نظارتی فعال در فضای سایبر رهنمون شوند و به برخی اقدامات نظارتی که موضع پلیس را از حالت واکنش‌گر^۳ به حالت کنش‌گر^۴ تغییر می‌دهد، روی آورند. توضیح آن‌که در اقدامات نظارتی منفعل که پلیس صرفاً با پایش مستمر و بدون آنکه در مسیر تحقق جرم نقشی داشته باشد به انتظار بزهکاران می‌نشیند در حالی که در اقدامات نظارتی فعال پلیس در راستای تعقیب و دستگیری، برخی اقدامات تحریک‌آمیز یا مساعدتی را انجام می‌دهد. یکی از رایج‌ترین این اقدامات در فضای سایبر، «دام‌گستری»^۵ است؛ «روشی که در آن پیشگیری و تعقیب در مورد جرم به طور هم‌زمان صورت می‌گیرد» (یزدیان جعفری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶). در این روش مأمورین برای دستگیری مجرمین به طریقی همچون اغفال و فریب متهم پرداخته و حتی گاهی متهمین را تحریک به ارتکاب جرم نموده و در پی این امر، اقدام به دستگیری آنان می‌نمایند.^۶ در نظام حقوقی ایران

1. Virtualization of the crime scene.

2. Globalization of crime.

3. Reactive.

4. Proactive.

5. Entrapment.

۶. در میان پژوهشگران تعاریف مختلفی از دام‌گستری ارائه شده است که بعضاً اختلافات چشمگیری با یکدیگر دارند.

هرچند در دکترین حقوقی و ادبیات پژوهشی دام‌گستری در فضای سایبر کمتر مطرح شده است لکن موارد متعددی در سامانه اخبار پلیس فتا وجود دارد که دلالت می‌کند مأموران کشف جرم در جرایم بسیاری با عملیات پلیسی فعالانه به شناسایی بزهکاران سایبری پرداخته‌اند.^۱

دام‌گستری در عموم جرایم در کشاکش و تعارض بین دو حق؛ یعنی حق جامعه و حق افراد به دنبال جایگاهی برای خود است. در فضای سایبر این تعارض مشهودتر است؛ چرا که از یک سو فضای گیتی گستر سایبر که امکان پنهان‌سازی هویت و دگرهویت‌پذیری را به گونه‌ای بی‌سابقه برای بزهکاران پدید آورده، موجی از بزهکاری را موجب شده که تهدید جدی برای حیات فرهنگی و اقتصادی جامعه است و در راستای حق جامعه مبنی بر پیشگیری از جرم، کاربست ابزارهای نوین نظیر دام‌گستری نه تنها مشروع بلکه ضروری است و از سوی دیگر برخی ویژگی‌های این فضا، آنگاه که با تحریک مأموران کشف جرم، پیوند می‌یابد، تردید جدی در مشروعیت این نهاد ایجاد می‌کند. در هر حال کاربست نهاد دام‌گستری در جرایم سایبر مستلزم یافتن پاسخی برای این سؤالات است که آیا در نظام حقوقی ایران و فقه اسلامی استفاده از مکرو فریب برای کشف جرم، تعقیب متهمان و تحصیل دلیل علیه آنان، مشروعیت دارد؟ مطالعه جرم‌شناختی دام‌گستری چه نتیجه‌ای به دست می‌دهد؟ در این راستا نوشتار حاضر پس از بررسی تطبیقی این نهاد در دیگر کشورها، دام‌گستری سایبری را به ترتیب با رویکردهای حقوقی، فقهی و جرم‌شناختی مورد بحث و بررسی قرار داده است.

سابق بر این نوشتار پژوهش‌های داخلی متعددی به موضوع دام‌گستری پرداخته

دام‌گستری در معنای به کار رفته در این نوشتار عبارت است از «اقدامات مخفیانه مأمورین دولتی از طریق تحریک، ترغیب، اغفال و فریب اشخاص برای ارتکاب جرم یا دستگیری مرتکبان و تحصیل دلیل علیه آنان» (ابراهیمی و ملک زاده، ۱۳۹۳، ص ۴).

۱. برای دیدن این موارد بنگرید به:

اند لکن معدودی از این پژوهش‌ها به طور خاص دام‌گستری در فضای سایبر را مورد تمرکز قرار داده‌اند. به عنوان نمونه ملک زاده (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «دام‌گستری در فضای مجازی» پیشنهاد نموده است که دام‌گستری باید اصولاً ممنوع باشد و صرفاً در برخی جرایم سازمان یافته و فراملی باید مورد بهره‌برداری محدود و مشروط قرار گیرد. در پژوهش‌های غیر فارسی زبان دام‌گستری در فضای سایبر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بسته به نوع نظام حقوقی طرح مساله دام‌گستری در نظام‌های حقوقی به انحاء مختلف صورت پذیرفته است. در نظام‌های کامن‌لایی رویه قضایی در این خصوص پویاست و در دعاوی متعدد مساله دام‌گستری در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته است. از این رو پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص دام‌گستری مجازی عمدتاً مربوط به کشورهای تابع این نظام حقوقی هستند. وین گورمن در مقاله‌ای با عنوان «دام‌گستری آنلاین، مقایسه دیدگاه پذیرفته شده در آمریکا و کانادا و سایر کشورهای تابع خانواده کامن‌لا»، از طریق ارزیابی آراء قضایی موجود در این نظام‌های حقوقی به مقایسه دیدگاه پذیرفته شده در این نظام‌ها پرداخته است. رابرت مور و تینالی و رابرت هانت در پژوهشی با عنوان «دام‌گستری در وب»، استفاده از دفاع دام‌گستری را در فضای مجازی در جرایم آنلاین به ویژه جرایم علیه اطفال مورد بررسی قرار داده است. متیو زایا در مقاله‌ای تحت عنوان «دام‌گستری پلیس در دنیای مجازی» با ارزیابی چند پرونده مهم در رویه قضایی کانادا، محدودیت‌های پلیس در استفاده از دام‌گستری را مورد بررسی قرار داده و به نقش دادگاه‌ها و دیوان عالی به عنوان مرجعی برای تعیین معیارهای راهنما در این عرصه توجه نموده است. جرود هانسون در مقاله‌ای تحت عنوان «دام‌گستری در فضای مجازی: نگاهی نو بر معیار ظن معتبر»، معیارهای دام‌گستری در فضای مجازی در مقایسه با دام‌گستری در فضای واقعی را بررسی کرده و معیار ظن معتبر را در مقایسه با معیار نوعی و شخصی مناسب دام‌گستری مجازی معرفی می‌کند. در هر حال وجه تمایز نوشتار حاضر با پژوهش‌های دیگر آن است که در این مقاله موضوع دام‌گستری در فضای سایبر ایران به

صورت تلفیقی با رویکردهای فقهی و جرم‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است.

۱- رویکرد تطبیقی به نهاد دام‌گستری در فضای سایبر

مشابه با دام‌گستری در جرایم کلاسیک در دام‌گستری سایبری نیز دو ضرورت مورد توجه نظام‌های حقوقی قرار گرفته است. از یک طرف نیاز به حمایت از جامعه و پیشگیری از جرم و از طرف دیگر ضرورت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی مطرح است. ایجاد تعادل بین این دو ضرورت در جرایم سایبری اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا برخلاف جرایم فیزیکی مبارزه با جرم در فضای مجازی خطر نفوذ غیرقابل توجیه دولت را به همراه دارد. به همین دلیل حتی در نظام‌های حقوقی که از این شیوه در تحقیقات در عمل استفاده می‌شود، در دام‌گستری سایبری نیز علی‌رغم اهمیت مسئله پیشگیری از جرم، این باور وجود دارد که «فناوری‌های پلیس نباید به شیوه‌ای فراگیر یا نامحدود عمل نمایند و در راستای ایجاد تعادل باید در جهت محدود کردن اختیارات پلیس اقداماتی صورت گیرد» (Zaia, ۲۰۲۲, p. ۳).

تفاوت این نوع دام‌گستری با دام‌گستری در فضای واقعی، در معیارهای پذیرش آن نیز تأثیر گذاشته است. به طور کلی در خصوص معیارهای تشخیص دام‌گستری دو معیار ذهنی و معیار عینی مطرح است. طرفداران رویکرد ذهنی بر این باور هستند که دام‌گستری زمانی واقع می‌شود که قصد ارتکاب جرم از طرف مأموران نشئت گرفته باشد. لذا متهم قبل از برخورد با مأموران نباید تمایل به ارتکاب جرم داشته باشد. طرفداران رویکرد عینی بر این باور هستند که «رفتار مأموران اجرای قانون اگر به حدی از استانداردها تنزل پیدا کند که قادر باشد هر شهروند عادی را به ارتکاب جرم تحریک کند صرف نظر از اینکه متهم تمایل به ارتکاب جرم داشته یا نداشته باشد، دام‌گستری به وقوع می‌پیوندد» (الهام و گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲). علی‌رغم مزایای این معیارها در دام‌گستری در فضای واقعی، به نظر می‌رسد این دو معیار به جهاتی مناسب دام‌گستری سایبری نیستند؛ اول اینکه

این معیارها نمی‌توانند از افراد بی‌گناه در فضای مجازی حفاظت کند. دوم اینکه با این معیارها نمی‌توان بر اقدامات مأموران رسمی اشراف و کنترل داشت. به همین دلیل برخی بر این باورند که در فضای مجازی، قانون‌گذاران و دادگاه‌ها باید معیار ظن معتبر را جایگزین معیار نوعی و شخصی نمایند. براساس این معیار، مأموران رسمی باید اثبات کنند که متهم در فعالیت‌های مجرمانه شرکت داشته یا احتمال شرکت در آن را داشته باشد. آن‌ها هم‌چنین باید ثابت کنند که عملیات مخفی مربوط به فعالیت غیرقانونی مشکوک مشخص است و دامنه عملیات آن‌ها محدود به همان عمل مجرمانه است. مرجع اثبات ظن معتبر مأموران رسمی، دادگاه است. به عبارتی مأموران رسمی پیش از آنکه عملیات مخفی و فریبنده خود را آغاز کنند باید از یک مقام قضایی اذن بگیرند. آن‌ها هم‌چنین باید محدوده فعالیت و اهداف عملیات مخفی خود را مشخص کنند و هنگام اخذ مجوز، انواع روش‌هایی را که در عملیات مخفی به کار می‌برند توصیف نمایند تا قاضی بتواند متناسب بودن آن‌ها را ارزیابی نماید. این معیار در مقایسه با دو معیار پیشین، از افراد در حوزه سایبر حمایت بهتری ارائه می‌دهد؛ زیرا مطابق این معیار، عملیات صرفاً بر افراد مشکوک متمرکز می‌شود و بدین ترتیب از افشای اطلاعات خصوصی تعداد زیادی از افراد بی‌گناه جلوگیری می‌شود. در این معیار، قاضی به جای اینکه یک فرد معقول و عادی را مبنای تصمیم‌گیری قرار دهد، به مناسب بودن عملیات مأموران رسمی با توجه به شرایط فردی توجه می‌کند؛ بنابراین، در این معیار، قضات می‌توانند تأثیراتی را که فضای مجازی بر مناسب بودن فعالیت‌های عملیات می‌گذارد مورد توجه قرار دهند. هم‌چنین مطابق این معیار، «دولت نمی‌تواند بدون اینکه شواهد زیادی مبنی بر استعداد و تمایل فرد به ارتکاب جرم وجود داشته باشد، عملیاتی را برای دستگیری او انجام دهد». (Han-son, ۱۹۹۶, p. ۵۴۷-۵۴۹)

در نظام حقوقی فرانسه، دام‌گستری از منظر اصول دادرسی منصفانه و رعایت موازین قانونی در تحصیل دلیل مورد بررسی قرار گرفته است. در حقوق کیفری فرانسه، به

غیر از برخی جرایم سازمان‌یافته و مهم، مقامات قضایی از توسل به اقدامات تحریک‌آمیز برای تحصیل دلیل منع شده‌اند. از این منظر، صراحتاً دام‌گستری نامشروع و غیرقانونی تلقی می‌شود. در واقع همان‌طور که برخی نویسندگان به درستی اشاره نموده‌اند، «در این نظام حقوقی، دام‌گستری، دفاع محسوب می‌شود، اما نه از این جهت که متهم تحریک شده به ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری ندارد، بلکه از این حیث که از منظر اصول حاکم بر دادرسی کیفری و نحوه تحصیل ادله، دلایلی که از طرق دام‌گستری برای محکوم نمودن شخص متهم به دست می‌آید، دلیل مشروع و قانونی محسوب نمی‌شود. لذا اگر دلیل دیگری غیر از دلیل فوق در پرونده موجود نباشد، امکان محکومیت شخص منتفی است» (حسینی و موذن زادگان، ۱۳۹۳، ص ۳۶). مطابق با ماده ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور نیز در مواردی که تجاوز به ضوابط مندرج از سویی قانون یا عدم رعایت مقررات اساسی شکلی موجب ایراد خسارت به ذینفع شده باشد، موجب بطلان دلیل است. «در رویه قضایی نیز توسل به تحریک و خدعه و فریب در تحصیل ادله، یکی از موارد مشمول این ماده است» (تدین، ۱۳۸۸، ص ۲۳۶) و «دام‌گستری پس از وقوع جرم نیز در رویه قضایی به عنوان دفاع از سویی متهم پذیرفته شده است» (یاراحمدی، ۱۳۹۳، ص ۸۳) و معمولاً «قضات فرانسوی در مواردی که تحریکات پلیس موجب تحریک قصد جنایت‌کارانه بزه‌کار گردد، رأی بر برائت متهم یا بهره‌مندی او از تخفیف مجازات صادر می‌کنند» (لارگیه، ۱۳۸۲، ص ۷۳). در آمریکا قانون نمونه جزا در بخش ۲۰۱۳ به صراحت دام‌گستری را به عنوان یکی از دفاعیات برای تبرئه شدن در دعاوی مورد توجه قرار داده است. مطابق این ماده دام‌گستری عبارت است از تشویق و ترغیب شخص بر ارتکاب جرم توسط مقام مجری قانون (یا شخصی که با چنین مقامی همکاری می‌کند) به منظور به دست آوردن شواهد دال بر ارتکاب جرم است. مصادیق دام‌گستری در این ماده نیز عبارتند از: الف) ارائه اظهارات نادرست آگاهانه برای القای این باور که چنین رفتاری ممنوع نیست. ب) استفاده از روش‌های ترغیب یا تشویقی که خطر قابل توجهی در انجام چنین جرمی توسط

افرادی غیر از افرادی که آماده ارتکاب آن هستند، ایجاد می‌کند. در برخی آراء دادگاه‌ها نیز استفاده پلیس از این روش‌ها مجاز تلقی شده است.^۱ با توجه به شناسایی قانونی این مفهوم در قوانین و استفاده از روش‌های دام‌گستری در عمل توسط پلیس، در رویه قضایی این نظام حقوقی نیز در خصوص دام‌گستری اعم از مجازی و واقعی، پرونده‌های متعددی مطرح شده است. در برخی پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی برخی دعاوی مهم در این حوزه پرداخته شده است. یکی از شناخته شده‌ترین دعاوی، پرونده ایالات متحده علیه پوهلمن^۲ در سال ۲۰۰۰ در خصوص اتهام رابطه جنسی با کودکان است که در یک اتاق گفتگوی مجازی شروع شده بود.^۳ در پرونده دیگری^۴ که در سال ۲۰۰۴ مطرح شد، با توجه به اینکه شروع کننده ارتباط متهم بود، دفاع دام‌گستری مورد پذیرش قرار نگرفت. دعوی چرین^۵ از دیگر دعاوی در این حوزه است که با این استدلال که صرف فراهم نمودن فرصت ارتکاب جرم توسط دولت دام‌گستری تلقی نمی‌شود، دفاع دام‌گستری مورد پذیرش قرار نگرفت. در اکثر این دعاوی مسئله اصلی مورد توجه دادگاه بررسی میزان تمایل و استعداد فرد برای ارتکاب جرم بوده است ((al et Moore, ۲۰۰۷, p. ۹۳-۹۶. در ایالات متحده دکتترین دام‌گستری بر این ایده مبتنی است که نمایندگان دولت نباید ارتکاب رفتار مجرمانه را طرح‌ریزی کنند و تمایل به ارتکاب جرم را در ذهن یک فرد بی‌گناه ایجاد کنند تا بتوانند فرد مورد نظر را تحت تعقیب قرار بدهند. از این رو گفته می‌شود که در این نظام حقوقی استناد به دام‌گستری نوعی دفاع ماهوی است و در صورتی که متهم بتواند با استناد به دلایلی ثابت کند توسط پلیس به ارتکاب جرم سوق پیدا کرده است در این صورت حکم

1. United States v. Fernando, 291 F. App'x 494, 495-96 (4th Cir. 2008).

2. United States v. Poehlman. (2000)

۳. برای مطالعه تفصیلی در خصوص این دعاوی مراجعه شود به :

Entrapped on the Web ?Applying the Entrapment Defense to Cases Involving Online Sting Operations- Robert Moore & Tina Lee & Robert Hunt ,p.93-94.

4. People v .Arndt (2004)

5. United States v. Cherian (2003).

بر براءت او صادر خواهد شد (Kulesza, ۲۰۲۲, p. ۳۸). در خصوص اجزای تشکیل دهنده دام‌گستری در رأی^۱ آمده است که «دفاع ماهوی دام‌گستری دارای دو مؤلفه مرتبط هم است؛ اولی تحریک متهم توسط دولت به ارتکاب جرم و دومی عدم تمایل متهم به انجام رفتار مجرمانه. در صورتی که متهم شواهد معتبری مبنی بر تحریک به انجام رفتار مجرمانه توسط یک مأمور دولتی ارائه کند، دولت وظیفه دارد بدون تردید ثابت کند که متهم مستعد ارتکاب جرم بوده است»؛ (Gorman, ۲۰۲۳, p. ۲۵). از این رو برای اینکه رأی به نفع متهم صادر شود و بار اثبات به دولت منتقل گردد متهم باید شواهدی را در مورد هر دو عنصر دفاع ارائه کند. در نظام حقوقی انگلیس مفهوم دام‌گستری با توجه به ماده ۷۸ قانون پلیس و دلایل کیفری مصوب سال ۱۹۸۴ تحلیل می‌شود. مطابق با این ماده در صورتی که به نظر دادگاه با در نظر گرفتن همه شرایط، از جمله شرایط تحصیل دلیل، پذیرش دلایل تأثیر نامطلوبی بر عادلانه بودن دادرسی داشته باشد، دادگاه نباید آن را بپذیرد؛ بنابراین دام‌گستری تا حدی مجاز است که عادلانه بودن دادرسی را از نظر دادگاه تحت الشعاع قرار ندهد. از این منظر برخی برایین باورند که در حقوق انگلستان دفاعی به نام دفاع دام‌گستری وجود ندارد. در تائید آن به پرونده سنک استناد می‌شود که در سال ۱۹۸۰ دفاع دام‌گستری را نپذیرفت؛ اما به هر حال دام‌گستری از نظر مسئولیت متهم در حقوق انگلیس می‌تواند به عنوان یک عامل تخفیف در مجازات مطرح شود (حسنی و موذن زادگان، ۱۳۹۳، ص ۲۰). در خصوص دام‌گستری در فضای سایبر در رویه قضایی این کشور نیز آرای ملاحظه می‌شود. در حقوق انگلیس آخرین رأیی که در مورد دام‌گستری در مورد جرایمی که در فضای مجازی اتفاق افتاده، در مورد یک مأمور مخفی است که در یک سایت دوستیابی برای برقراری رابطه جنسی ثبت نام کرده است.^۲ در این پرونده متهم در نتیجه ارتباط با این مأمور و رد و بدل کردن عکس‌هایی در واتساپ، به اتهام رابطه با

1. United States v. Cabrera, 13 F.4th 140 (2021)

2. Kureembokus, R. v [2021] EWCA Crim.828

کودکان تحت تعقیب قرار گرفت. متهم در دادگاه ادعا کرد که پلیس او را وادار به ارتکاب جرم کرده است، با این حال دادگاه تجدیدنظر این ادعا را با این استدلال که پلیس صرفاً بستر و موقعیت ارتکاب جرم را فراهم کرده، رد کرد.

نظام حقوقی کانادا از دیگر نظام‌هایی است که رویه قضایی آن در خصوص دام‌گستری در فضای مجازی فعال است و آراء مختلفی در خصوص دام‌گستری در فضای مجازی وجود دارد و از این حیث توجه به آن اهمیت دارد. برخی پژوهشگران به ارزیابی دعاوی مطروحه در این حوزه پرداخته‌اند. پرونده احمد^۱ یکی از اولین دعاوی مورد توجه است. این پرونده در خصوص دام‌گستری از طریق مکالمه تلفنی در جرم مواد مخدر بود. از نظر نویسندگان حقوقی علی‌رغم محدود بودن قلمرو پرونده که فرصت ورود به سایر فضاهای مجازی را برای دادگاه ایجاد نکرد، در رویه قضایی این کشور دارای اهمیت است و گامی برای تبیین دام‌گستری سایبری در این نظام حقوقی محسوب می‌گردد. پرونده قوترا^۲ از دیگر پرونده‌های مهم در این حوزه است که در دادگاه استیناف انتاریو مورد بررسی قرار گرفت. اتهام قوترا در این پرونده رابطه نامشروع با کودکان بود که در اتاق گفتگوی مجازی با یک افسر پلیس مخفی که با واحد بهره‌برداری اینترنتی از کودکان پلیس منطقه‌ای پیل کار می‌کرد، با نام مستعار میا نقش دختر ۱۴ ساله‌ای را ایفا می‌کرد، شروع به ارتباط کرده بود و به اتهام رابطه نامشروع با کودک دستگیر شد. در این پرونده دفاع دام‌گستری به این دلیل که ابتکار عمل و پیشنهاد شروع رابطه با پلیس نبوده مورد پذیرش دادگاه قرار نگرفت. از نظر دادگاه صرف حضور پلیس در اتاق گفتگو دعوت و ترغیب به رفتار نبوده است. پرونده راملسون^۳، حنیفه^۴، دره^۵ و جفر^۶ از دیگر دعاوی مطروحه در دادگاه

1. R. v. Ahmad 2020, SCC 1 [2020], 11 S.C.R.577.

2. 2021 SCC 12 [Ghotra SCC], aff'd 2020 ONCA 373 [Ghotra ONCA].

3. 2021 ONCA 328 [Ramelson].

4. 2021 ONCA 326 [Haniffa].

5. 2021 ONCA 327 [Dare].

6. 2021 ONCA 325 [Jaffer].

عالی‌کانادا هستند که در موضوع اغوا و فریب کودکان مطرح شد و در این دعاوی دفاع دام‌گستری مورد پذیرش دادگاه قرار نگرفت (Zaia, ۲۰۲۲, p. ۳-۷). از این میان اهمیت پرونده راملسون از حیث نکاتی که دادگاه در تبیین دام‌گستری در فضای مجازی مطرح نموده، اهمیت دارد. دادگاه عالی در خصوص این پرونده به صراحت اجازه فعالیت‌های دام‌گسترانه را به پلیس اعطا و اعلام نمود که در صورتی که پلیس ظن معقول داشته باشد در یک محیط مشخص و معین (همچون فضای مجازی) جرمی در حال وقوع است، می‌تواند فرصت ارتکاب جرم را فراهم کند صرف‌نظر از اینکه هویت متهم مشخص باشد یا خیر، مشروط بر اینکه اقدامات پلیس با حسن نیت باشد. در این پرونده دادگاه در خصوص نحوه اعمال دکتترین دام‌گستری در تحقیقات آنلاین نیز به نکاتی اشاره نموده است. «زمانی که جرم در فضای مجازی رخ می‌دهد، بسیار مهم است که پلیس به دقت فضایی را که به طور منطقی مشکوک به وقوع جرم است، مشخص و معین کند تا اطمینان حاصل شود که دامنه تحقیقات خود را محدود کرده‌اند. به طوری که دامنه تحقیقات آن‌ها گسترده‌تر از آن چیزی نباشد که شواهد اجازه می‌دهد. دادگاه‌ها در خصوص بررسی صحت تحقیقات آنلاین پلیس، باید به کارکردها و ویژگی‌های فضا و مکانی که جرم واقع می‌شود توجه زیادی داشته باشند. از جمله مواردی که در جرایم سایبری باید مورد توجه قرار بگیرد، نفوذپذیری، پیوستگی، پویایی و سایر ویژگی‌های اینترنت است که آن را به محیطی متمایز تبدیل می‌کند» (Gorman, ۲۰۲۳, p. ۲۷). در پایان باید خاطرنشان کرد که ضرورت کشف جرایمی که جز از طریق دام‌گستری امکان پذیر نبوده یا حداقل به دشواری ممکن است، موجب استفاده از دام‌گستری در فضای مجازی در نظام‌های حقوقی مختلف شده است. در این راستا رویه قضایی برخی نظام‌های حقوقی نیز پویا بوده و در راستای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی و محدود نمودن قلمرو استفاده از دام‌گستری به بیان معیارها و ضوابط مختلف پرداخته است. برخلاف نظام‌های حقوقی مورد مطالعه، از آنجا که استفاده از این نهاد در ایران با چالش‌های متعدد حقوقی، فقهی

مواجهه است، در نظام حقوقی ایران نه تنها دام‌گستری در قوانین موضوعه مورد توجه قرار نگرفته است، در رویه قضایی نیز آرای در این خصوص ملاحظه نمی‌شود. با این وجود از آنجا که در تحقیقات پلیسی بعضاً از این روش استفاده می‌شود، جهت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی لازم است موضوع مورد کنکاش قرار گیرد.

۲- دام‌گستری سایبری در سنجه حقوقی-جرم‌شناختی

هدف با هر درجه از اهمیت یا مطلوبیت، نمی‌تواند توجیه‌کننده وسیله باشد. «در کشف و پیشگیری از جرم همواره يك هدف مشترك وجود دارد و آن تلفیق حقوق شهروندی با آنچه که عدالت کیفری کارآمد به آن نیاز دارد و در اعمال این هدف، نوع جرم تأثیری ندارد» (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۶۳). بنابراین در کشف جرایم سایبری نیز اصول و بایسته‌های حقوقی باید رعایت گردد؛ چه آن‌که «تعادل بین کارایی سیستم کیفری و تضمینات حقوق بشری، همواره باید برقرار باشد» (تدین، ۱۳۸۸، ص ۶۴). در این میان دو موضوع فرعی یعنی «عدم رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل» و «شبهه در مسئولیت کیفری متهمان» که به ترتیب از شقوق اصل قانونی بودن و اصل احراز مسئولیت کیفری و رای تردید معقول می‌باشند، قابل طرح است. بررسی دام‌گستری به عنوان یک نهاد پیشگیری-تعقیبی با دانش جرم‌شناسی نیز در خور توجه است و از برخی تالی‌های نامطلوب استفاده از این نهاد پرده برمی‌دارد. «فقدان تأثیر در خصوص مجرمان خطرناک»، «افزایش نرخ بزهکاری» و «اختلال در روابط اجتماعی» موضوعات مهمی هستند که با مطالعه جرم‌شناختی موضوع، کاربست دام‌گستری را به چالش می‌کشانند.

۲-۱- عدم رعایت اصل مشروعیت تحصیل دلیل

اصل قانونی بودن یکی از مهم‌ترین اصول کیفری است که هم در فقه و هم در حقوق موضوعه مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. «این اصل دامنه شمول خود را به

بحث تحصیل دلیل نیز تسری می‌دهد؛ (ابراهیمی و ملک زاده، ۱۳۹۳، ص ۲) از همین روست که علمای حقوق متفقند که «دلیل کیفری نه تنها باید فی نفسه مشروعیت داشته باشد و در عداد ادله معتبر قانونی باشد، بلکه نحوه و طریقه تحصیل آن نیز باید واجد وجهت قانونی باشد» (یزدیان جعفری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶). به عبارت دیگر طریق تحصیل دلیل موضوعیت دارد. لذا وقتی می‌توان به ادله مجرمیت به دست آمده از یک اقدام محیلانه پلیسی توسل جست که قانون اقدامات انجام شده را به رسمیت شناخته باشد این در حالی است که در نظام حقوقی ایران نه تنها هیچ نص قانونی به عنوان مستند دام‌گستری وجود ندارد بلکه برخی اصول قانون اساسی نظیر اصل ۲۵ که بر منع تجسس دلالت دارد و بسیاری از مواد قانونی نظیر ماده ۴، ۲۸ و ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند در مخالفت با دام‌گستری مورد استناد قرار گیرند. با این همه برخی عبارات در قوانین کیفری ممکن است در راستای مشروعیت دام‌گستری مورد بهره‌برداری قرار گیرد که پرداختن به مهم‌ترین این موارد از باب دفع دخل مقدر ضروری است. به عنوان نمونه برداشت اولیه از بند پ ماده ۳۷ ق.م.ا که یکی از جهات تخفیف مجازات را رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه دیده معرفی نموده شاید چنین باشد که قانون‌گذار به صورت ضمنی دام‌گستری را به رسمیت شناخته است و در این موارد در جهت عدالت تخفیف مجازات مرتکب را در دستور کار قرار داده است؛ لکن این برداشت صحیح نیست و عبارت بزه دیده منصرف به بزه دیده واقعی است نه پلیس که با اقدامات محیلانه شخص را به بزه سوق داده است. به دیگر سخن تمسک به اطلاق عبارت بزه دیده در ماده مذکور به جهت انصراف آن واژه از دام‌گستروجهی ندارد.

ممکن است با توسل به قیاس برخی جرایم نظیر مواد مخدر و ارتشاء که بعضاً در رویه‌های پلیسی موجود دام‌گستری در کشف این جرایم کاربرد دارد (کمیسون حقوقی دادستانی کل کشور، ۱۳۸۳، ص ۹۸) تعمیم دام‌گستری به جرایم سایبری نیز مطرح شود؛ اما باید در نظر داشت که اولاً حتی در آن جرایم هم کاربست دام‌گستری مستند

قانونی ندارد؛ لذا رویه موجود متکی به قانون نیست. ثانیاً استناد مدافعان رویه پلیس در دام‌گستری در جرایم قاچاق مواد مخدر و ارتشا از باب بند ب ماده ۱۵۸ ق.م.ا؛ یعنی «اجرای قانون اهم» است که مصلحت کشف جرم و شناسایی مرتکبان آن ایجاب نموده است برخی محدودیت‌های قانونی تحصیل دلیل مرتفع شود که قیاس آن جرایم از حیث خطرآفرینی با عموم جرایم سایبری بلاوجه است. نهایتاً در خصوص برخی جرایم سایبری نظیر جاسوسی یا تخریب سازمان یافته در فضای سایبر به جهت حجم و گستره صدمات و خسارات این جرایم ممکن است چنین قیاسی پذیرفتنی باشد لکن در هر مورد باید توجه داشت که اگر به موجب ادله خاص شرعی یا قانون مانعی برای دام‌گستری در دسته‌ای از جرایم وجود داشته باشد توسل به اجرای قانون اهم و قیاس فوق مردود است. به عنوان نمونه یکی از موارد توسعه غیرقانونی کاربست دام‌گستری استفاده از این شیوه در جرایم منافی عفت سایبری است چه آن که به موجب ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک: «انجام هرگونه تحقیق و تعقیب در جرایم منافی عفت ممنوع است» و به استناد همین مقرر اصولاً نمی‌توان به دام‌گستری در جرایم منافی عفت سایبری متوسل شد.

۲-۲- شبهه در مسئولیت کیفری متهمان

وقوع جرم و انتساب آن به متهم کافی نیست بلکه برای اعمال مجازات، احراز مسئولیت کیفری متهم ضروری است. در عموم جرایم یکی از دلایل مخالفت با شیوه دام‌گستری، خدشه در مسئولیت کیفری متهمان به واسطه اقدامات تحریک‌آمیز و محیلانه مأموران است. در جرایم سایبری، به جهت برخی ویژگی‌های فضای سایبر، تردید در مسئولیت کیفری مرتکبانی که با دام‌گستری اتهامی به آن‌ها منتسب شده است، پشتوانه منطقی بیشتری دارد؛ چه آن‌که تحریک افراد به ارتکاب جرم در ورای صفحه مانیتور، به احتمال بیشتری به بزهکاری آنها می‌انجامد؛ در آن اوضاع و احوال هر شخص متعارف از اعضای جامعه که در آن شرایط قرار داشته باشد، احتمالاً در نتیجه انگیزش

یافتگی توسط ماموران، رفتار مجرمانه را انجام می‌دهد. لذا پذیرش دفاع فقدان سوءنیت مجرمانه با عدالت همخوانی بیشتری دارد. در حقیقت، جرایم فضای سایبر که اغلب در خلوت بزهکار واقع می‌شود با مانع خاصی مواجه نیستند لذا با کمترین درجه انگیزش یافتگی توسط دیگری وقوع می‌یابد. به این ترتیب اگر در خصوص دیگر جرایم تردیدهایی وجود دارد که آیا می‌توان جرم ارتکاب یافته در اثر اقدامات محیلانه مأموران پلیس را مبنای مجرمیت قرار داد یا کارکرد دام‌گستری را صرفاً در حد شناسایی مرتکب و دستگیری وی برای تحمل عواقب جرایم مسلم پیشین محدود کرد، در خصوص جرایم سایبری به جهت خدشه بیشتر در رکن روانی، بعید است بتوان جرم انگیزش یافته توسط ماموران را مبنای مجرمیت قرار داد. در واقع «عنصر فریب، تناقضی را در مسئولیت کیفری ایجاد می‌کند که تنها با خارج نمودن متهم از فرایند کیفری قابل رفع است» (Ashworth, ۱۹۹۲, p. ۶۶). به ویژه آن‌که در نظام حقوقی ایران، مطابق ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی قاعده درء در عموم جرایم تعزیری جریان یافته است. به موجب ماده مذکور «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود». لذا از آن‌جا که در مسئولیت کیفری شخصی که در نتیجه دام‌گستری، به ارتکاب بزه پرداخته است، تردید جدی وجود دارد، هرچند جرم رخ داده باشد، لکن مرتکب فعل مجرمانه را نمی‌توان دارای مسئولیت کیفری قلمداد نمود.

۲-۳- فقدان تأثیر در خصوص مجرمان خطرناک

به طور کلی یکی از چالش‌های استفاده از دام‌گستری در راستای پیشگیری از جرم، قابلیت اندک آن برای خنثی‌سازی مجرمان حرفه‌ای و خطرناک است؛ به دیگر سخن، «فعالیت‌های موسوم به عملیات محیلانه که در قالب اقدامات کنشی و محرك به منظور دستگیری مظنونین به ارتکاب جرم انجام می‌شود، همیشه بدین منوال نیست

که موجب دستگیری مجرمان حرفه‌ای شود بلکه گاهی با سوء رفتار مأموران، منجر به درگیری یک شهروند عادی در رفتار مجرمانه می‌شود» (الهام و گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱). در جرایم سایبری از آنجا که بزهکاران در پرده‌ای از بی‌هویتی به فعالیت‌های بزهکارانه می‌پردازند، احتمال گرفتار شدن بزهکاران حرفه‌ای توسط نهادهای پلیسی با استفاده از شیوه دام‌گستری کاهش می‌یابد؛ چه آن‌که اولاً؛ مطابق نتایج مطالعات فراوان بزهکاران سایبر محدود به افراد خاص با هویت مجرم نیستند بلکه در بسیاری از جرایم سایبری به ویژه جرایم منافی عفت بسیاری از شهروندان عادی مکرراً و از سرتفنن به این جرایم ورود و خروج می‌کنند به گونه‌ای که برخی پژوهشگران برای این وضعیت از اصطلاح «عمومی شدن جرم در فضای سایبر»^۱ استفاده و برخی دیگر «کارناوالی شدن جرم سایبری»^۲ را مطرح نموده‌اند. ثانیاً؛ در این فضا حداقل در بسیاری از موارد امکان رخداد «خطا در هویت» مجرمی که برنامه دام‌گستری در صدد است، وی را مورد تعقیب قرار دهد، وجود دارد و به این ترتیب شیوه دام‌گستری ممکن است به ویژه در فضاهای مهمان‌پذیر سایبر نظیر چت روم‌ها، شهروندان عادی فضای سایبر یا کاربران را اسیر کند که دست کم در اولویت دستگیری نیستند. به طور مشخص، مهم‌ترین اشکالی که در این خصوص می‌تواند متوجه دام‌گستری شود، این است که این شیوه‌ها علاوه بر گرفتار ساختن مجرمان اتفاقی یا تفننی به دستگیری مجرمان حرفه‌ای نمی‌انجامد؛ چه آن‌که از یک سو، بزهکاران حرفه‌ای فضای سایبر غالباً بزهکاری را نه از روی احساسات آنی نظیر انگیزش یافتگی از یک رابطه کوتاه‌مدت، بلکه با سبق تصمیم و اهداف از پیش تعیین شده دنبال می‌کنند و این شیوه از دام‌گستری بیشتر به شناسایی کاربران کم‌خطر یا بزهکاران

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان (۱۳۹۶) عمومی شدن جرم در فضای سایبر؛ از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم عدالت ترمیمی، دانش‌نامه عدالت ترمیمی؛ مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، انتشارات میزان، صص: ۳۰۳-۳۲۵.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: آقایی، سارا (۱۳۹۷) تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی، تهران، انتشارات میزان.

غیرحرفه‌ای می‌انجامد. از سوی دیگر غالب بزهکاران حرفه‌ای یا فعالیت خود را در دارک وب^۱ دنبال نموده یا از ابزارهای وی. پی. ان مطمئن که یا توسط باند مجرمانه‌ای که در آن فعالیت کرده‌اند نظیر باندهای تروریستی و جاسوسی، برای آن‌ها تهیه شده و یا خود از طرق مطمئن این ابزارها را تهیه می‌کنند؛ لذا کمتر ممکن است نرم‌افزارهایی که توسط پلیس در فضای مجازی توزیع می‌شود، مورد استفاده بزهکاران حرفه‌ای قرار گیرد.

۲-۴- افزایش نرخ بزهکاری

یکی از دلایل مخالفان دام‌گستری با این شیوه، به ویژه آنگاه که با اهداف پیشگیرانه دنبال می‌شود، این موضوع است که دام‌گستری خود می‌تواند به تحریک افرادی که چندان روحیات مجرمانه ندارند انجامیده و آن‌ها را به سوی جرم سوق دهد و با اضافه کردن یک بزهکار جدید، باید به انتظار افزایش نرخ بزهکاری نشست. حتی برخی صاحب‌نظران فراتر از یک ایراد به طور کلی مخالفت خود با دام‌گستری را به همین دلیل مستند ساخته‌اند و ابراز داشته‌اند: «پلیس در مقام ضابط دادگستری بر طبق قواعد آئین دادرسی کیفری و همچنین اصل ۱۵۶ ق.ا و بند ۸ تبصره ۳ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۹، وظیفه کشف جرم و پیشگیری از ارتکاب جرم را عهده‌دار است. بنابراین خود نباید به وجود آورنده اراده مجرمانه در بزهکار باشد، بلکه باید در پی کشف جرم کسانی باشد که پیش‌تر دست به ارتکاب جرم زده‌اند؛ نه اینکه خود به تکوین اندیشه بالقوه مجرمانه اشخاص مساعدت نماید.» (آشوری، ۱۳۷۹، ص ۲۵۰). در همین راستا برخی دیگر معتقدند اقدام به تحریک افراد به ارتکاب جرم زمانی که منجر

۱. دارک وب یا وب تاریک (web Dark) به مجموعه‌ای از وب‌سایت‌هایی گفته می‌شود که علاوه بر اینکه نمی‌توان آن‌ها را از طریق موتورهای جست‌وجو پیدا کرد، نمی‌توان آن‌ها را با آدرس یا نام دامنه هم یافت. این به این معنا نیست که این صفحات برای عموم کاربران قابل رؤیت نباشد بلکه همگان می‌توانند به این فضا وارد شده و این صفحات را مشاهده کنند؛ اما چون این صفحات آدرس آی. پی. (address protocol Internet) سرورهای خود را مخفی می‌کنند، نمی‌توانند ردگیری و یافت شوند. بنابراین اگرچه مشاهده‌ی این سایت‌ها توسط کاربران عادی امکان‌پذیر است ولی یافتن گردانندگان آن‌ها بسیار مشکل است.

به دام‌گستری شود، سبب چرخش اشخاصی به جرم می‌شود که ممکن نبود در غیر این صورت مرتکب جرم شوند. «اصولاً درجه‌های خاصی از تحریک وجود دارد که بر هر تقوایی غلبه خواهد کرد و هنگامی که غلبه نخستین رخ داد، ارتکاب جرم برای بار دوم آسان‌تر خواهد بود؛ لذا بزرگ‌ترین ضرر این‌گونه اقدامات در این است که امکان دارد یک شهروند عادی به واسطه سوء رفتار مأموران اجرائی قانون، درگیر رفتار مجرمانه شود و این احتمال زمانی بیشتر خواهد شد که اهداف مورد نظر پلیس به طور تصادفی انتخاب شود.» (الهام و گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴).

در خصوص جرایم سایبری، این نگرانی پررنگ‌تر است؛ فضای سایبر و جرایم سایبری به جهت ویژگی‌های خود نظیر سهولت جرم و... با کمترین درجه از تحریک، کاربران متعارف را به سمت بزه سوق می‌دهد. چه آن که یک چالش جدی دام‌گستری در فضای سایبر، عدم امکان تحدید مخاطبان دام‌گستری در بسیاری از قلمروهای این فضا است. به عنوان نمونه آن‌گاه که در یک گروه در شبکه‌های اجتماعی یا چت روم صورت گیرد ممکن است به تشویق به بزهکاری تعداد پرشماری از افراد بینجامد. در حقیقت فضای وب، محیطی شبکه‌ای با پیوندهای فراوان و متداخل است، محیطی با پنجره‌های باز و بی‌نهایت (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۷). در این فضا «ممکن است بسیاری از کالاهای اطلاعاتی، به طور هم‌زمان از سوی افراد متعدد استفاده شوند، بدون اینکه استفاده‌ی کسی از میزان استفاده دیگران بکاهد» (انصاری، ۱۳۹۱، ص ۸) لذا افراد زیادی که منظور و مقصود دام‌گستری نبوده‌اند ممکن است در تورهای دام‌گستری گرفتار آیند. نتیجه آن که در فضای سایبر هر اقدام محیلانه‌ای ممکن است به جهت جذابیت بالا و عدم امکان تعیین مخاطب معین، عموم شهروندان را به وادی جرم اندازد.

۵-۲- اختلال در روابط اجتماعی و ایجاد نگرش منفی به پلیس

به طور کلی و در عموم جرایم دام‌گستری، روابط اجتماعی شهروندان با یکدیگر

را دچار آسیب می‌کند و با ایجاد حس بدگمانی بین اعضای جامعه نسبت به یکدیگر وفاق و همدلی اعضای جامعه را کاهش می‌دهد. در همین زمینه برخی معتقدند «دام‌گستری اثرات زیان‌آوری بر منافع و امنیت عمومی در پی دارد. ترس‌های عمومی ناشی از آن، شک، گمان و ناامنی شهروندان نسبت به یکدیگر اطمینان و دلگرمی را از بین می‌برد، مهربانی بشر را می‌کشد و نفرت را پخش می‌کند.» (الهام و گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴). با عنایت به این‌که فضای مجازی محیطی غالباً تعامل محور است. تا آنجا که ویژگی تعاملی فضای سایبر، سبب شده است شاهد شکل‌گیری نوع مجازی شهروند، فرهنگ، تجارت و جامعه تحت عنوان شهروند مجازی^۱، فرهنگ مجازی^۲، تجارت مجازی^۳ و جامعه مجازی^۴ باشیم لذا هرگونه اختلال در این روابط اجتماعی هزینه‌های فراوانی را در پی خواهد داشت و شهروندان را از این مزیت فضای سایبر محروم می‌سازد. آنگاه که دام‌گستری در فضای سایبر روی می‌دهد؛ پیامدهای نامطلوب پیش گفته بیش از فضای واقعی امکان بروز و ظهور می‌یابد؛ چه آن‌که شهروندان جامعه سایبر در پاره‌ای از گمنامی با یکدیگر آشنا شده و هیچ شناخت عمیقی بین آن‌ها وجود ندارد و با آسیب به عنصر اعتماد اجتماعی معضل هویت‌گزینی در این فضا به صورت ناخواسته دامن زده می‌شود. علاوه بر این‌ها، نگرش مثبت افراد نسبت به پلیس به مثابه پدیده‌آورنده امنیت تا حد زیادی کاسته شده و ممکن است این نقش امنیت‌آفرینی پلیس در اذهان شهروندان تا سر حد مچ‌گیری تنزل یابد. به این ترتیب «همکاری جامعه با پلیس در راستای کشف و پیشگیری از جرم نیز دست‌خوش آسیب می‌شود؛ لذا آن‌گونه که برخی یادآور شده‌اند اعمال پلیس باید منصفانه و مشروع باشد تا حمایت افراد جامعه را برانگیزد.» (ناجی زواره، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷). در غیر این صورت، نه تنها جامعه حاضر به همکاری با پلیس نخواهد بود بلکه در مسیری معکوس با بزهکاران همدل و همراه می‌شود.

1. Cybercitizen
2. Cyberculture
3. Cyberbussiness
4. Cybersociety

۳- دام‌گستری سایبری در سنجه فقه اسلامی

دام‌گستری نهادی نوپدید است که در فقه اسلامی مطرح نشده است لکن این نهاد را می‌توان در سنجه مبانی فقه اسلامی ارزیابی نمود؛ «عنصر اصلی دام‌گستری سوءظن و تجسس در امور شهروندان است که مؤکداً مورد نهی شارع قرار گرفته است» (عطازاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹۲). علاوه بر این، از نظر فقهی کمک به شکل‌گیری یک جرم که می‌توان از تحقق آن جلوگیری نمود، نوعی معاونت در اثم محسوب می‌گردد که آن هم مورد نهی است و اگر حرام نباشد دست کم کراهت دارد.^۱ هم‌چنین ممکن است کسی که پیشینه مجرمانه‌ای داشته باشد لکن در حال حاضر از مسیر سابق خود بازگشته و به واسطه عملیات‌های اغواکننده دام‌گستری بار دیگر به بزهکاری آلوده گردد. علاوه بر این موارد، بزه پوشی، در شریعت اسلام، شأن و جایگاه ویژه‌ای دارد که ممکن است این موضوع با عملیات‌های دام‌گستری همساز نباشد.

۳-۱- منافات دام‌گستری با نهاد توبه

نهاد توبه یکی از مهم‌ترین نهادها در سیاست جنایت اسلام است که نظام حقوق کیفری اسلامی را از دیگر نظام‌ها متمایز می‌سازد. تأکید فراوان آیات قرآن کریم^۲ بر توبه و احادیث و روایات متعدد (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۶۲) (ابن ماجه، بی‌تا، ص ۱۴۱۹) در این خصوص مؤید اهمیت این نهاد در نظام حقوقی اسلام است. علی‌رغم دیدگاه‌های مختلف در خصوص اثر توبه، مطابق با نظر مشهور فقهای امامیه توبه موجب سقوط مجازات است (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۴۱، ص ۳۰۷). (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۹). مبنای چنین

۱. برخلاف نظری که این نهی را شامل حرمت و کراهت می‌داند غالب صاحب نظران برای آن حرمت قائل هستند. برای رؤیت نظر اول بنگرید به:

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۳) دلالت یا عدم دلالت آیه «لاتعاونوا علی الإثم و العدوان» بر حرمت اعانت و تعاون بر اثم و عدوان، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱. برای رؤیت نظر دوم بنگرید به: قیاسی، جلال الدین؛ ساریخانی، عادل (۱۳۹۵) مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، جلد سوم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص: ۷۶-۸۱.

۲. آیه ۳۱ سوره نور- آیه ۷۴ سوره مائده - آیه ۲۵ سوره شوری، آیه ۲۲۲ سوره بقره آیه و....

دیدگاهی را باید نشان از اهمیت مسئله اصلاح و تربیت مجرم در نظام اسلام دانست. قابل انکار نیست که بخش فراوانی از جرایم ارتكابی در جامعه توسط بزهکارانی صورت می‌گیرد که بدون قصد و سوءنیت قبلی و تنها به خاطر قرار گرفتن در يك فضای مجرمانه، مرتکب جرم می‌شوند. در این وضعیت «توبه فرصتی است که راه اصلاح و بازگشت چنین اشخاصی را به جامعه فراهم کند و آن‌ها را از مجازات برهاند» (طاهری و جهاندار، ۱۳۹۳، ص ۷). واضح است با چنین مبنایی، دام‌گستری کاملاً مغایر با نهاد توبه است؛ چه آن که به واسطه دام‌گستری نهاد توبه به عنوان قانون طلایی سیاست جنایی اسلام که بهتر از هر شیوه‌ای، پیشگیری از بزهکاری را از گذر اصلاح درونی تحصیل می‌کند، در معرض مخاطره قرار می‌گیرد و چه بسا بزهکاران موضوع دام‌گستری قبلاً توبه نموده و در پی تحریکات مأموران مجدداً در ورطه بزهکاری قرار گیرند. حتی در بهترین صورت دام‌گستری که کمترین اشکال متوجه آن است، یعنی مواردی که مأموران کشف جرم اقدامات خود را دقیقاً بر بزهکاران متمرکز می‌کنند، امکان دست کشیدن بزهکار از جرم و توبه او وجود دارد. لذا با اجرای دام‌گستری به جای ایجاد فرصت برای بازگشت بزهکاران سابق، در مسیری معکوس افرادی که شاید توبه نموده باشند به ارتکاب جرم دعوت می‌شوند.

۳-۲- منافات دام‌گستری با بزه‌پوشی

کشف و آشکار شدن جرم غالباً با گسترش اخبار مربوط به آن همراه است و این امر موجب عادی شدن جرم و ضعف حساسیت‌های عمومی خواهد شد. «جلوگیری از افشای زشتی‌ها از آموزه‌های دینی اسلام به شمار می‌رود. بر این مبنا سیاست جنایی اسلام نیز در راستای تشویق به ستر بزه و خطاپوشی است» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱). این مسئله در سیاست کیفری ایران نیز با عنوان بزه پوشی مطرح شده است. مراد از بزه پوشی «روشی شکلی است که به موجب آن مقامات قضایی از تحقیق در خصوص کشف جرم و تعقیب آن منع شده و مجرم و شهود نیز تشویق به عدم اقرار و گواهی به ارتکاب آن

می‌گردند» (سلیمانی، ۱۳۹۷، ص ۶۲). «اجرای این سیاست از افشای غیرضروری، قبح زدایی، عادی سازی و در نهایت رواج بزه، پیشگیری می‌نماید» (شیدائیان، ۱۳۹۷، ص ۱۱۷). علاوه بر این حفظ کرامت انسانی اقتضا می‌کند، جرمی را که مرتکب در خفا انجام داده، با اقدام متصدیان دستگاه عدالت کیفری علنی نشود. حضرت علی (ع) در نامه خویش به مالک تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرده و حاکمان را به پوشاندن عیوب مردم و دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می‌سازند توصیه فرموده است (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۶۸). البته باید توجه داشت که جایگاه اصلی بزه‌پوشی در جرایم منافی عفت است از این روست که در نظام حقوقی ایران مطابق با ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری بزه پوشی در جرایم منافی عفت مورد تصریح قرار گرفته است. بنا بر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد کاربست نهاد دام‌گستری دست کم در جرایم منافی عفت از آن جهت که در آن مأموران کشف جرم و متصدیان پیشگیری، تلاش خود را برای آشکار ساختن عمل و هویت مرتکبی به کار می‌گیرند که خود سعی در پوشاندن عمل و هویت خود دارد، با منع شرعی مواجه باشد.

۳-۳- دام‌گستری به مثابه تجسس و تعاون بر اثم

تجسس به معنای واکاوی در امور دیگران و تلاش برای باخبر شدن از امور پنهان آن‌ها است. به طور کلی تجسس، مسبوق به سوءظن است. قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره حجرات^۱ پس از آنکه از ظن سوء نهی می‌کند به نهی از تجسس نیز پرداخته است. در گفتار و سیره پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز در مورد جایز نبودن و حرمت تجسس از لغزش‌ها احادیث فراوانی وجود دارد. نمونه بارز آن حدیث نبوی است که فرمودند: «ای گروهی که با زبان مسلمان شده‌اید، اما دل شما هنوز اسلام را نپذیرفته است. لغزش‌های مسلمانان را جستجو مکنید چرا که هرکس تجسس درباره لغزش‌های مسلمین کند،

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا ...

خداوند لغزش او را جستجو خواهد کرد و هرکس که خداوند از لغزش‌های او جستجو کند رسوایش خواهد نمود» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۴). بر این مبانی است که فقهای امامیه اجماع بر حرمت تجسس دارند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۲۹۸). با این همه در برخی موارد استثنایی بنا بر مصالح و ضروریات تجسس جایز است و در کلام برخی فقها مطرح شده است. به عنوان مثال از نظر امام خمینی «تجسس در صورتی که برای کشف توطئه و مقابله با گروه‌های مخالف نظام اسلامی که قصد براندازی دارند و کار آن‌ها مصداق فساد در زمین است، انجام شود؛ مجاز است. البته در این موارد نیز رعایت ضوابط شرعی ضروری است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۴۲). آنچه از مجموع روایات در این خصوص به دست می‌آید، اهم بودن حفظ نظام اسلامی است. بنابراین «در مسائل مهمی که دربرگیرنده مصالح نظام و جامعه اسلامی است به مقدار ضرورت و سودمندی، تفتیش و تحقیق مشروع و مجاز خواهد بود» (صادقی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۵).

در خصوص تطبیق مسئله با دام‌گستری سایبری به جرئت می‌توان گفت حداقل در برخی از مصادیق، ماهیت عملیات محیلانه به‌گونه‌ای است که با یک سوءظن، اقدام به تجسس در رفتار افراد می‌شود. به همین جهت برخی معتقدند «به روشنی این‌گونه اقدامات از اساس مخالف با مبانی اسلامی است» (الهام و گلدوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵). این حقوقدانان قسمتی از فرمان هشت ماده امام خمینی را پشتوانه نظر خود قرار داده‌اند.^۱ لکن به نظر می‌رسد قاعده منع تجسس و دیدگاه اخیر امام خمینی در خصوص جواز تجسس در موارد خاص، قابل جمع است و تطبیق آن با نهاد دام‌گستری چنین نتیجه‌ای در پی دارد که دام‌گستری در فضای سایبر نهایتاً در خصوص جرایمی که به نوعی با مصالح عمومی جامعه ارتباط دارد مشروعیت خواهد یافت. مواردی که در صورت عدم استفاده از این روش، راهی برای کشف جرم و ممانعت از ادامه آن وجود نداشته باشد. البته این

۱. «هیچ‌کس حق ندارد به بهانه کشف جرم یا ارتکاب گناه و حرام، هرچند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاع ج ۱۷، ص ۱۴۰.

نتیجه قطع نظر از دیگر موانع شرعی و صرفاً از جهت رعایت قاعده منع تجسس است. قاعده حرمت تعاون بر اثم از جمله قواعد معتبر فقهی است. آیه شریفه «تعاونوا علی البر و التقوی ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان» (از مهم‌ترین دلایل اعتبار این قاعده در فقه است. «حدیث نبوی که هرگونه کمک به گناهکار را حرام شمرده است، نیز از مستندات مهم این قاعده است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۳۵). از نظر برخی فقه‌های معاصر نیز «همان‌گونه که انجام منکر قبیح است، تشویق دیگران به انجام آن یا فراهم کردن مقدمات آن نیز به حکم عقل قبیح است» (محقق داماد، ۱۴۰۶، ص ۱۷۸). بنابراین دام‌گستری سایبری نیز که به نوعی مقدمات گناه یا بزه فراهم می‌شود و به ویژه بعضاً با تشویق همراه است، می‌تواند در قالب این قاعده مطرح و مشروعیت آن به لحاظ فقهی مورد تردید قرار گیرد چه آن که با توجه به عموم و اطلاق قاعده مذکور مصادیق تعاون و یاری‌رسانی در اثم، شامل اقدامات مأموران در هنگام دام‌گستری نیز می‌گردد. با این همه نمی‌توان نادیده گرفت که در مواردی به استناد حکم ثانوی و در راستای جلب مصلحت اقوی می‌توان به جواز دام‌گستری سایبری نظر داد. به عنوان نمونه اگر مرتکبان بزه دایر کردن قمارخانه در فضای سایبر، فرهنگ و اقتصاد جامعه اسلامی را در معرض خطر جدی قرار دهند و شناسایی و دستگیری ایشان جز از طریق توسل به نهاد دام‌گستری ممکن نباشد، اقدامات محیلانه تحریکی که در راستای این هدف انجام می‌شود از حیث قاعده حرمت تعاون بر اثم و در راستای دفع افسد به فاسد با مانعی مواجه نیست.

۱. هرکس در کشتن مسلمانی حتی با نوشتن کلمه و عبارتی مساعدت کند، در روز قیامت به گونه ای برمی‌خیزد که گویی بر پیشانی او نوشته شده از رحمت پرودگار مهربان مایوس است.

برآمد

در حالی که در بسیاری از کشورها بهره‌برداری از نهاد دام‌گستری در عموم جرایم سایبری به ویژه جرایم منافی عفت جریان دارد، کاربست این نهاد در ایران با چالش‌های متعدد حقوقی، فقهی و جرم‌شناختی مواجه است. مهم‌ترین مانع حقوقی در این زمینه، فقدان نص قانونی در نظم کنونی قوانین ایران و مغایرت با اصل مشروعیت تحصیل دلیل است. چه آن‌که مطابق اصل مذکور، شیوه تحصیل دلیل اهمیتی هم سنگ اصل دلیل دارد و بدیهی است حتی زمانی که دلیل از سنخ مستندات بین باشد که به اقناع وجدانی قاضی می‌انجامد، لکن شیوه تحصیل این مستندات منطبق با قانون نباشد، نمی‌توان برای این مستندات اعتبار خاصی در نظر گرفت. مضافاً بر اینکه فراتر از عدم انطباق، نهاد دام‌گستری با برخی از اصول قانون اساسی نظیر اصل عدم تجسس (اصل ۲۵) آشکارا مغایرت دارد. هم‌چنین سخن از مسئولیت کیفری متهمانی که با شیوه دام‌گستری پا به عرصه بزهکاری می‌نهند، به ویژه در جرایم سایبری که در آن‌ها وضعیت ارتکاب بزه و شرایط ارتکاب بزه، تفاوت قابل توجهی با دیگر جرایم دارد، دشوار به نظر می‌رسد. خصوصاً آن‌که در نظام حقوقی ایران که قاعده درء در کنار اصل برائت، احراز مجرمیت متهمان را به گذر از شبهه و تردید منوط نموده است، به سختی می‌توان سخن از مسئولیت کیفری چنین متهمانی به میان آورد. اتفاقاً در چنین ساختار حقوقی که در خصوص اثبات جرم سخت‌گیری شده است، همسو با نظام حقوقی برخی کشورها مانند آمریکا طرح دام‌گستری به عنوان ابزار دفاعی متهمی که تن به جرم داده است، پذیرفتنی‌تر به نظر می‌رسد.

بررسی نهاد دام‌گستری با رویکرد فقهی نیز مؤید این نتیجه است که دام‌گستری و به ویژه دام‌گستری سایبری که امکان گرفتار شدن افرادی غیر از متهمان مورد نظر در آن بیشتر است، عملاً می‌تواند به «دعوت دیگران به گناه» بینجامد؛ در حقیقت اقدام محیلانه ماموران ممکن است به مجرمیت افرادی که شهروندان غیر بزهکار فضای سایبر هستند، منجر شود و در مواردی نیز که اقدام محیلانه دقیقاً متوجه شخص یا اشخاص

منظور شود، بعضاً دام‌گستری در تقابل با نهاد توبه قرار می‌گیرد، چه آنکه این امکان وجود دارد که شخصی که از رفتارهای بزهکارانه دست کشیده است، گرفتار اقدام محیلانه ماموران شود و به بزهکاری بازگردد. مضاف بر اینکه برخلاف بسیاری از کشورهای غربی که از دام‌گستری در جرایم منافی عفت استفاده می‌کنند، در شرع مقدس با حاکمیت اصل بزه‌پوشی در جرایم منافی عفت، محدودیت‌های خاصی برای اثبات جرم وجود دارد که مانع از کاربست دام‌گستری در این دسته از جرایم می‌شود. مطالعه جرم‌شناختی دام‌گستری نیز به نتیجه‌ای که کاربست این نهاد را توجیه کند، نمی‌انجامد. چه آن که اولاً اثربخشی دام‌گستری برای بزهکاران حرفه‌ای فضای سایبر که با سبق تصمیم و مهیا سازی شرایط جرم اقدام به بزهکاری می‌نمایند، محل تردید است و حتی در نقطه معکوس، دام‌گستری می‌تواند به ورود شهروندان متعارف فضای سایبر به عرصه بزهکاری بینجامد. علاوه بر این دام‌گستری ممکن است هزینه‌های ناخواسته و ناملموسی بر بیکره روابط اجتماعی شهروندان در فضای مجازی و اعتماد به نهاد پلیس وارد کند و شهروندان سایبری را به همسویی و همدلی با بزهکاران سوق دهد.

بنابر آنچه گفته شد دام‌گستری به عنوان تجسس محیلانه ای که اقناع کافی برای مسئولیت کیفری متهمان به بار نمی‌آورد و هم با آموزه‌های شرع مقدس مغایرت داشته و هم آثار نامطلوب اجتماعی به همراه دارد، اصولاً نمی‌تواند و نباید جایگاهی در نظام حقوقی ایران داشته باشد. با این همه به اقتضای ضرورت، در راستای مصلحت و بر مبنای حکم ثانویه می‌توان به ترتیب از رهیافت‌های حقوقی، جرم‌شناختی و فقهی این تحقیق عدول نمود و در موارد محدودی نظیر خرابکاری‌های سایبری وسیع که صدمات و خسارات ناشی از آن بسیار گسترده است یا دایر کردن قمارخانه‌های مجازی گسترده که به تباهی جوانان و نوجوان پرشماری می‌انجامد و آن‌ها را از سبک زندگی مقبول منحرف و آثار نامطلوب اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای بر کشور وارد می‌سازد، کاربست دام‌گستری به صورت موردی را به عنوان آخرین راه حل و پس از اجرای شیوه‌های معمول تعقیب

و پی‌جوئی بزه‌کاران در نظر گرفت. تفصیل این موضوع از حوصله این پژوهش خارج است و می‌تواند به عنوان پیشنهاد پژوهشی این نوشتار به پژوهشگران حقوق کیفری و جرم‌شناسی ارائه گردد.

منابع

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶). *عدالت کیفری*، تهران: گنج دانش، چاپ اول.
- آشوری، محمد (۱۳۷۹). گزارش کل همایش بین‌المللی مواد مخدر، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۵۰ (۸۴۰).
- ابراهیمی، شهرام، ملک‌زاده، محمود (۱۳۹۳). دام‌گستری: ممنوعیت مطلق یا قانونمندسازی آن. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۴ (۸)، ۲۹-۱۰.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (بی‌تا). *سنن ابن‌ماجه*، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دارالفکر.
- انصاری، باقر و انصاری، اسماعیل (۱۳۹۱). حقوق اطلاعات از منظر تحلیل اقتصادی، *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۳ (۲).
- تدین، عباس (۱۳۸۸). *تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری*، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان (۱۳۹۶). *عمومی‌شدن جرم در فضای سایبر؛ از علت شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم عدالت ترمیمی*، دانش‌نامه عدالت ترمیمی؛ مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، انتشارات میزان، ۳۰۳-۳۲۵.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). *وسائل الشیعه*، ج ۱۶، قم: موسسه آل بیت لاحیاء التراث.
- حسنی، عباس، مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۳). دفاع دام‌گستری، از مفهوم شناسی تا آثار، *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۸ (۸۵)، ۷-۴۴.

- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳). *سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- خویی، ابوالقاسم (بی‌تا). *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۱، جامعه بغداد.
- سلیمانی، مهدی (۱۳۹۷). بزه‌پوشی از منظر فقه اسلامی و حقوق جزای ایران.
- فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۱۱(۴)، ۷۸-۵۹.
- شیدائیان، مهدی و شیدائیان، زینب (۱۳۹۷). رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری به جرایم منافعی غفت، *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۲(۱۰۱)، ۱۱۷-۱۳۹.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۷۸). بزه‌پوشی، *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۳(۲۸-۲۹)، ۶۱-۱۹۲.
- طاهری، محمدعلی، امینی، جهاندار (۱۳۹۳). توبه مجرم در فقه مقارن و حقوق جزا، *مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی*، ۹(۳۵)، ۶-۲۴.
- عطازاده، سعید، میرخلیلی، محمود، حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۴). تجسس در حریم خصوصی مکانی اشخاص، با رویکرد امنیت اخلاقی، *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۰(۴)، ۹۱-۱۱۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ چهارم.
- کمیسیون حقوقی دادستانی کل کشور (۱۳۸۳). *مجموعه قوانین و مقررات مبارزه با مواد مخدر*، اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- کوره‌پز، محمد حسین و میرخلیلی، محمود و توجهی، عبدالعلی و بهره‌مند، حمید (۱۳۹۳). نیمرخ جرم‌شناختی بزهکاران سایبری، *پژوهش حقوق کیفری*، ۳(۹)، ۱۱۱-۱۴۶.
- لازبیه، ژان (۱۳۸۲). *آیین دادرسی کیفری فرانسه*، ترجمه حسن کاشفی

اسمعیل زاده، تهران: گنج دانش، چاپ اول.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ ق). قواعد فقه، ج ۴، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.

محمدی (۱۳۹۰). *فضای مجازی و نقض حریم خصوصی، انتشار یافته در فضای مجازی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۳). *القواعد الفقهیه*، ج ۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول.

موسوی خمینی، سید روح | (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، ج ۱۷، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.

ناجی زواره، مرتضی (۱۳۸۲). *مقررات حاکم بر جلب و دستگیری اشخاص در حقوق کیفری ایران و انگلیس*، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

نجفی، محمد حسن (۱۳۷۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۴۱، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ ششم.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۱۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.

الهام، غلام حسین و گلدوزیان، حسین (۱۳۹۲). تحلیل مفهوم و شرایط تحقق دام گستری با رویکردی تطبیقی در حقوق کیفری آمریکا و ایران، *پژوهش حقوق کیفری*، ۲(۴)، ۱۰۷-۱۳۵.

یاراحمدی، حسین (۱۳۹۳). دفاع دام گستری در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، *فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی*، ۹(۴)، ۷۳-۹۴.

یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۴). دام گستری؛ مفهوم، مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران، *حقوق اسلامی*، ۲(۶)، ۱۱۵-۱۳۲.

منابع انگلیسی

- Ashworth, A. (1992). *Sentencing and Criminal Justice*. Ireland: Butterworths.
- Gorman, Wayne (2023). *Online Entrapment: A Comparison of the Approach Adopted in the United States*, Canada, and Other Common-Law Countries.
- Hanson, Jarrod S. (1996). *Entrapment in Cyberspace: A Renewed Call for Reasonable Suspicion*,” University of Chicago Legal Forum: Vol. 547-549.
- kulsesza, Cezary. (2022). *Inadmissibility of police entrapment evidence in the us and german trails in the light of case law of the us supreme court and the ecthr*.
- Moore, Robert & Lee, Tina & Hunt, Robert. (7002). Entrapped on the Web? Applying the Entrapment Defense to Cases Involving On-line Sting Operations, *Am J Crim Just*, 32, p/87-98.
- Zaia, Mathew. (2022). *Scrapping in Cyberspace: Police Entrapment in the Virtual World*, 3: 26, Canadian Criminal Law Review.